

امیلی برونته
ترجمه‌ی نوشین ابراهیمی

بلندی‌های بادگیر

WWW.Ofoqco.com

تازه از دیدن صاحبخانه‌ام برگشته‌ام. همسایه‌ی گوشه‌گیری که برایم دردرساز خواهد شد. این‌جا واقعاً منطقه‌ی زیبایی است! باور نمی‌کردم در تمام انگلستان جایی را بیابم که کاملاً دور از هیاهو و جنب و جوش مردم باشد. این‌جا بهشت بی‌نظیری برای گوشه‌گیران است: من و آقای هیت کلیف^۱ به‌خوبی می‌توانیم این تنهایی و انزوا را با هم شریک شویم. او همدم بی‌همتایی‌ست! هم‌چنان که سوار بر اسب از جاده بالا می‌رفتم، متوجه شدم چشمان سیاهش را با بدگمانی به من دوخته است. نمی‌توانست تصور کند با چه شور و احساسی به‌طرفش می‌روم. وقتی اسبم را به او گفتم با قاطعیتی رشک‌آمیز انگشتانش را در جیب جلیقه‌اش فرو کرد.

گفتم: «آقای هیت کلیف!»

فقط سرش را تکان داد.